

# پژوهشی درباره: جزایر ایرانی تنب و ابوموسی

اصغر جعفری ولدانی<sup>۱</sup>

در سال ۱۹۹۲ امارات متحده عربی بعد از ۲۰ سال سکوت، ادعاهای بی‌اساسی را نسبت به جزایر ایرانی تنب و ابوموسی مطرح کرد. ادعای جدید امارات متحده عربی آن هم پس از بروز دو جنگ خونبار و ویرانگر در خلیج فارس، بسیار تعجب‌برانگیز و غیرقابل انتظار بود. زیرا این دو جنگ که در طی یک دهه روی داد، بیانگر این واقعیت تلخ بود که طرح ادعاهای ارضی، ثمره‌ی جز نابودی اقتصاد کشورهای منطقه به‌دنبال ندارد. این انتظار وجود داشت که این دو جنگ، نقطه پایانی بر هرگونه اختلاف‌های مرزی و ارضی در میان کشورهای منطقه باشد.

اما هنوز یک‌سال از خاموش شدن آتش توپ‌خانه‌ها، غرش هواپیماها و صدای مرگ‌بار انفجار بمب‌ها و موشک‌ها نگذشته بود، که مدیرکل وزارت امور خارجه امارات متحده عربی در سپتامبر ۱۹۹۲ ادعا نمود که حاکمیت بر جزایر تنب بزرگ و کوچک از «دوران‌های دیرباز» از آن دولت امارات متحده عربی بوده‌است. وزیر امور خارجه این کشور نیز در سخنرانی خود در ۳۰ سپتامبر ۱۹۹۲ در مجمع عمومی سازمان ملل متحد ادعا کرد که جزایر تنب و ابوموسی، «از آغاز تاریخ» به امارات تعلق داشته‌است.

معلوم نیست مسئولین وزارت امور خارجه کشوری که از پیدایش آن فقط ۲۵ سال می‌گذرد، چگونه از دوران‌های دیرباز و یا آغاز تاریخ، سخن می‌گویند و آیا ایران هم می‌تواند به تاریخ ۲۵۰۰ ساله خود استناد کند؟ واقعیت این است که اگر قرار باشد، مرزبندی‌های

۱. دکتر اصغر جعفری ولدانی، استاد دانشگاه است.

جغرافیایی در منطقه براساس ادعاهای تاریخی معین شود، در این صورت اعراب منطقه بازنده اصلی خواهند بود و بیش از دیگران زیان خواهند دید. استناد به حقوق تاریخی در نهایت به نفع کشوری مانند ایران است که از پشتوانه‌ی تاریخی و تمدنی کهن برخوردار می‌باشد. در صورت استناد به حقوق تاریخی، پرچم ایران تا کرانه‌های رود نیل به استزاز درخواهد آمد. در آن صورت نه تنها جزایر تنب و ابوموسی، بلکه تمام کشورها و مناطق جنوبی خلیج فارس شامل عمان، امارات عربی متحده، قطر، بحرین، سواحل شرقی عربستان سعودی در خلیج فارس، تیسفون، مداین و بسیاری از سرزمین‌های دیگر که از آغاز تاریخ تا اواسط قرن هیجدهم جزو سرزمین ایران بوده‌اند، باید به آن بازگردانده شوند.

با این حال ایران هیچ‌گونه چشم‌داشتی به اراضی دیگران ندارد و بارها سیاست رسمی خود را که احترام به وضع موجود مرزها است، اعلام کرده‌است. اما اظهارات مقام‌های امارات عربی متحده و برخی از متحدین آنها که از ادعاهای این کشور حمایت کرده‌اند، نشان می‌دهد که یا آنها اطلاعی از تاریخ ندارند و یا درصدد تحریف آن هستند.

### تحریف واقعیت‌ها

در طی ۵ سال ۹۷-۱۹۹۲ دشمنان این آب و خاک مکرر ادعا کرده و می‌کنند که جزایر تنب و ابوموسی متعلق به امارات متحده عربی است. از سوی دیگر استادان دانشگاه‌های بغداد، بصره، قاهره و امارات متحده عربی اقدام به نگارش و تألیف کتاب‌ها و مقاله‌هایی در مورد جزایر تنب و ابوموسی کرده و با انعکاس وارونه حقایق، سعی در خدشه‌دار کردن تمامیت ارضی کشور ما نموده‌اند. در این مورد می‌توان به عنوان مثال از کتاب‌های زیر نام برد:

- دکتر محمد عبدالله الرکن، دکتر عبدالرزاق شکاره و جمیل محمد محمد مراد،<sup>(۱)</sup> بعد تاریخی و قانونی اختلاف‌های میان امارات متحده عربی و ایران بر سر جزایر سه‌گانه، انتشارات شورای همکاری خلیج [فارس]، ۱۹۹۲.

- دکتر ولید حمدی اعظمی،<sup>(۲)</sup> نزاع بین دولت امارات عربی و ایران در مورد جزایر ابوموسی، تنب بزرگ و تنب کوچک در دوره بریتانیا، لندن، ۱۹۹۳.

- عبدالحسین قطیفی،<sup>(۳)</sup> قضیه جزایر ابوموسی و تنب‌ها در حقوق بین‌الملل، انتشارات دانشگاه بغداد، ۱۹۷۲.

از سوی دیگر کشورهای عربی سالیانه مبالغ زیادی را در اختیار استادان و مراکز

تحقیقاتی دانشگاه‌های غربی قرار می‌دهند تا آنها با نوشتن کتاب یا مقاله، حقوق ایران نسبت به آب‌ها و سرزمین‌های خود را زیر سؤال ببرند. به عنوان مثال در سال ۱۹۷۱ حاکم شارجه قراردادی را با یک مؤسسه بریتانیایی منعقد کرد. این مؤسسه در گزارشی که تهیه کرده ادعا نموده که «هزاران سند و صدها نقشه» جمع‌آوری کرده که نشان می‌دهد جزیره ابوموسی «از نخستین روزهای تاریخ مدون خود متعلق به حاکمان شارجه» بوده است. (۴) در سال ۱۹۹۲ نیز امارات متحده عربی قراردادی را با یکی از محققین مرکز پژوهش‌های جغرافیای سیاسی و مرزهای بین‌المللی در دانشکده مطالعات آفریقا و شرق‌شناسی دانشگاه لندن در مورد جزایر تنب و ابوموسی، منعقد نمود.

انتشار این‌گونه کتاب‌ها، مقاله‌ها و گزارش‌های تحریف شده، موجب گردیده تا برخی از پژوهشگران بی‌طرف نیز به علت استفاده از این منابع و عدم دسترسی به منابع ایرانی، حقایق را وارونه جلوه دهند. (۵)

در اکثر آثاری که به زبان‌های خارجی نوشته شده، عنوان «اشغال» در مورد جزایر تنب و ابوموسی به کار رفته است. اطلاق این عنوان به‌نوبه خود استنباط غلطی را موجب گردیده است. در حالی که ایران و شارجه در مورد ابوموسی یک یادداشت تفاهم امضا کرده‌اند، اما در بسیاری از منابع خارجی این مسأله مهم به عمد یا به سهو، نادیده گرفته شده است: هم‌چنین در این نوشته‌ها به حسن نیت ایران در مورد انصراف از بحرین که در مقابل تأمین حقوق آن بر جزایر تنب و ابوموسی صورت گرفت، اشاره‌ی نمی‌شود. این امر شاید تا حدی به این علت است که بین حل و فصل اختلاف‌های مربوط به بحرین و حل و فصل اختلاف‌های مربوط به جزایر تنب و ابوموسی تقریباً ۱۸ ماه فاصله ایجاد شد. در حالی که جزایر بحرین، تنب و ابوموسی به صورت یک مجموعه، مورد مذاکره قرار گرفت. حتی در سال ۱۹۷۱ وزارت امور خارجه ایران ناگزیر شد که در این مورد توضیحاتی را برای روشن کردن اذهان عمومی در اختیار رسانه‌های گروهی قرار دهد. (۶)

هم‌چنین تا سال ۱۹۹۲ عدم انتشار متن یادداشت تفاهم ۱۹۷۱ و ضمائم آن به علت محرمانه بودن، موجب شده بود که نویسندگان مختلف اظهارنظرهای گوناگونی در مورد آن بنمایند و حق حاکمیت ایران را بر جزیره ابوموسی زیر سؤال ببرند. توضیحات کافی در این مورد در مقاله دیگری به قلم این نویسنده آمده است. (۷) همین مسأله در آغاز بحران جزایر در ۱۹۹۲، موضع‌گیری‌های تندی علیه ایران شد. تا این که انتشار نامه مورخ ۲۵ نوامبر ۱۹۷۱

وزیر امور خارجه ایران به وزیر امور خارجه بریتانیا که جزء تفکیک‌ناپذیر یادداشت تفاهم ۱۹۷۱ است، سبب فروکش کردن بحران گردید. در این نامه گفته شده که حفظ امنیت جزیره ابوموسی برعهده دولت ایران است. به عبارت دیگر اقدام ایران در بازرسی افراد کشتی «خاطر» برای ورود به جزیره ابوموسی در این سال، کاملاً قانونی و طبق مفاد یادداشت تفاهم بوده است.

هدف از بیان مطالب مذکور این است که دشمنان این مرز و بوم برای خدشه‌دار کردن حاکمیت آن بسیار فعال هستند. در این میان متأسفانه خود ما هم به علت عدم انجام تحقیقات کافی و انتشار به موقع حقایق و واقعیت‌ها، مقصر هستیم. در سال‌های قبل از انقلاب هیچ‌گونه تلاشی در این راه به عمل نیامد، به نحوی که حتی یک مقاله علمی در این مورد منتشر نشد. هم‌چنین توجهی به جمع‌آوری اسناد و مدارک مربوط به تعلق این جزایر به ایران مبذول نگردید. دولت ایران از آنجا که تعلق این جزایر را به کشور قطعی و مسلم می‌دانست، ضرورتی برای این کار احساس نمی‌کرد. همین امر سبب شد تا برخی از کشورهای عربی، دولت ایران را متهم کنند که اسنادی برای اثبات ادعای خود ندارد. زیرا اگر غیر از این بود، آن را ارائه می‌داد. به‌عنوان مثال هنگامی که مسأله جزایر سه‌گانه در دسامبر ۱۹۷۱ در شورای امنیت سازمان ملل مطرح شد، نماینده ایران فقط یک نقشه ارائه داد که از یک دایرةالمعارف بود و وقتی نماینده عراق تاریخ و محل چاپ نقشه را پرسید، وی پاسخی نداشت که ارائه دهد. این امر با استهزا و تمسخر نماینده عراق روبه‌رو شد. وی با کنایه اظهار نمود که «این مطلب را به ذکاوت نمایندگان شورای امنیت واگذار می‌کنم تا درباره وجود چنین دایرةالمعارف و محل چاپ و انتشار آن تعمق کنند و حدس بزنند».

هم‌چنین یک نویسنده غربی به ظاهر بی‌طرف نیز در کتابی که در مورد اختلاف‌های مرزی نوشته، ادعا کرده که هنگام طرح جزایر سه‌گانه در جلسات اتحادیه عرب در دسامبر ۱۹۷۱، شیخ رأس‌الخیمه «۱۸ سند» ارائه داد که ادعای این شیخ‌نشین را مبنی بر این که جزایر تنب متعلق به رأس‌الخیمه است، تأیید می‌کرد. این اسناد را یک مؤسسه تحقیقاتی انگلیسی با پول اعراب تهیه کرده بود.

در حالی که بیش از ۵۰ سند و نقشه در مورد تعلق جزایر تنب و ابوموسی به ایران منتشر شده است. اکثر این اسناد و نقشه‌ها از سوی دولت بریتانیا و حکومت انگلیسی هند انتشار یافته و گواه صادق و معتبری در مورد تعلق این جزایر به ایران است. نگارنده مشخصات

این اسناد و نقشه‌ها را در جای دیگری آورده‌است. (۸)

### متغیرهای دخیل و بررسی نقش آنها

به طور کلی جزایر تنب و ابوموسی از آغاز تاریخ تا سال ۱۹۰۳ متعلق به ایران بود. اما در این سال از سوی بریتانیا اشغال شد. دولت ایران این اشغال را نپذیرفت و بیش از ۳۰ یادداشت اعتراض برای این کشور ارسال کرد و چندین بار نیز در صدد اعمال حاکمیت خود بر این جزایر برآمد. تا این که با خروج نیروهای بریتانیا از خلیج فارس در سال ۱۹۷۱، مناقشه مربوط به این جزایر نیز حل و فصل نشد و حاکمیت ایران بر آنها اعاده گشت. امارات متحده عربی نیز حل و فصل مناقشه را پذیرفت و از طرح جزایر سه‌گانه تا سال ۱۹۹۲ خودداری کرد. در آغاز قرن بیستم متغیرهای زیر در اشغال جزایر تنب و ابوموسی از سوی بریتانیا دخیل بوده‌اند: اهمیت راهبردی جزایر، تجدید نیروی دریایی ایران، استقرار پست‌های گمرکی در برخی بنادر و جزایر ایرانی برای سروسامان دادن به وضع گمرک، اقدام ایران به برقراری روابط نزدیک با شیوخ خلیج فارس، اقدامات مستشاران بلژیکی گمرک برای نصب پرچم ایران در بنادر و جزایر ایران در خلیج فارس، تقاضای بازرگانان ایرانی برای استفاده از جزیره ابوموسی به عنوان پایگاه تجاری به جای بندر لنگه، تلاش روس‌ها برای ایجاد پایگاه دریایی در یکی از بنادر و یا جزایر ایران در خلیج فارس، نفوذ روزافزون آلمان در منطقه و سرانجام اعلام دکترین مونروئه بریتانیا برای خلیج فارس.

در پیدایش بحران جزایر در سال ۱۹۹۲ و تداوم آن نیز این متغیرها به شکل خاص مربوط به اوضاع و احوال جدید نقش داشته‌اند: اتخاذ تدابیر امنیتی ایران در جزیره ابوموسی، اقدام ایران در برقراری روابط نزدیک با کشورهای عربی خلیج فارس، پافشاری ایران برای ورود به نظام امنیت دسته‌جمعی منطقه، فقدان دید کلان، راهبردی و همگون در سیاست خارجی ایران، ترس برخی کشورهای خلیج فارس از ایران (هم به عنوان همسایه بزرگ‌تر و هم از اسلام‌گرایی آن)، مشکلات درونی و بیرونی امارات متحده عربی، برداشت نادرست امارات متحده عربی از جنگ دوم خلیج فارس، اختلاف‌های بین کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس، نقش تعیین‌کننده عربستان در شورا، مشکلات داخلی کشورهای عربی خلیج فارس، مخالفت ایران با روند مذاکرات صلح اعراب و اسرائیل، نیاز غرب به فروش اسلحه به کشورهای خلیج فارس، حضور نیروهای خارجی در منطقه، نظم‌نوین جهانی و

وجود تنش‌های سیاسی ایران با آمریکا، انگلیس، عربستان و مصر. اما روشن است که تمام این متغیرها نقش یکسانی نداشته‌اند. لذا در اینجا متغیرهایی که در بیشتر دوران مورد بررسی، حضور داشته و نقش مهم‌تری ایفا کرده‌اند، به عنوان متغیرهای عمده در نظر گرفته شده‌است. این متغیرها که از ترکیب چند متغیر به دست آمده عبارتند از: آزه‌ای سرزمینی ایران، تقویت توان دفاعی ایران، جاه‌طلبی‌های ارضی اعراب و دخالت کشورهای خارجی. متغیرهای اول و دوم را برخی کشورهای عربی و غربی مطرح کرده‌اند. توضیحات زیر چگونگی نقش این متغیرها را روشن می‌کند.

### ۱. آزه‌ای سرزمینی ایران:

برخی کشورهای عربی و غربی ایران را متهم به چشم‌داشت‌های ارضی می‌کنند. این کشورها ادعا می‌کنند که ایران چه در رژیم گذشته و چه در دوره جمهوری اسلامی از یک سیاست توسعه‌طلبانه به زیان کشورهای عربی پیروی کرده‌است. یک نویسنده عرب نوشته‌است: «سیاست توسعه‌طلبانه رضا توسط فرزندش دنبال شد. وصیت او به فرزندش محمد رضاشاه این بود که ما ساحل شرقی (خلیج فارس) را از وجود اعراب آزاد کردیم و تو باید ساحل غربی آن را آزادسازی<sup>(۹)</sup>». جانشین وزیر امور خارجه امارات متحده عربی نیز ضمن طرح ادعاهای این کشور در مورد جزایر تنب و ابوموسی گفته است: «چنین به نظر می‌رسد که اهداف سیاست خارجی ایران با روی کار آمدن جمهوری اسلامی با اهداف رژیم شاه تغییر نکرده‌است»<sup>(۱۰)</sup>.

به این ترتیب کشورهای عربی تلاش‌های ایران برای اعمال حاکمیت مؤثرتر بر بنادر و جزایر خود در خلیج فارس را نوعی توسعه‌طلبی تلقی می‌کنند. ایران طی سه برهه زمانی، چنین تلاش‌هایی را به عمل آورده‌است. نخستین تلاش‌های ایران در اواخر قرن نوزدهم صورت گرفت که دولت بریتانیا آن را یک سیاست تهاجمی و به زیان موقعیت ممتاز خود در خلیج فارس به شمار آورد. در این دوره ایران توانست حاکمیت مؤثرتر خویش را بر بندر لنگه و جزیره سیری اعمال کند. دومین تلاش‌های ایران در دوره رضاشاه صورت گرفت. وی در مورد تحکیم حاکمیت ایران بر خوزستان، قشم، هنگام و جاسک موفق شد، اما تلاش‌هایش برای اعاده حاکمیت ایران بر جزایر تنب و ابوموسی به علت مخالفت سرسختانه بریتانیا به نتیجه نرسید. سومین تلاش‌های ایران در زمان محمدرضاشاه انجام شد و نتیجه آن اعاده حاکمیت

ایران بر جزایر تنب و ابوموسی در سال ۱۹۷۱ به دنبال خروج نیروهای بریتانیا از خلیج فارس بود.

هم‌چنین در سال ۱۹۹۱ در جریان جنگ دوم خلیج فارس، ورود بی‌سابقه ناوگان‌های خارجی به این منطقه، ایران را نسبت به امنیت جزیره ابوموسی نگران کرد. در نتیجه بر تدابیر امنیتی در جزیره افزود. برخی کشورهای عربی و غربی، اتخاذ چنین تدابیری را ادامه همان سیاست‌های توسعه‌طلبانه شاه تلقی و ادعا کردند که شاه نیمی از جزیره ابوموسی را به دست آورد و دولت فعلی ایران بر نیم دیگر آن دست انداخته است.

#### ۲. تقویت توان نظامی ایران

کشورهای عربی و برخی متحدین غربی آنها به تقویت توان نظامی ایران در مقاطع مختلف اشاره کرده و آن را در جهت سیاست «توسعه‌طلبانه» ایران تلقی می‌کنند. به عبارت دیگر تقویت توان نظامی ایران در خلیج فارس خوش‌آیند قدرت‌های سلطه‌طلب منطقه‌یی و جهانی نیست. به یاد داشته باشیم که ایجاد نیروی دریایی ایران در خلیج فارس در اواخر قرن نوزدهم، برای دولت بریتانیا که خلیج فارس را به «دریاچه بریتانیا» تبدیل کرده بود، خوش‌آیند نبود و این یکی از علل اشغال جزایر تنب و ابوموسی بود.

در اوایل دهه ۱۹۷۰ نیز تقویت توان دفاعی ایران با مخالفت برخی کشورها روبه‌رو شد و لذا با ایران به مخالفت برخاستند. به عنوان مثال نماینده عراق در شورای امنیت سازمان ملل در سال ۱۹۷۱ در حالی از «ماشین نظامی» ایران صحبت می‌کرد که ایران از نظر نظامی از عراق ضعیف‌تر بود. سخنان نماینده عراق و برخی دیگر از کشورهای تندر عربی در زمانی ایراد می‌شد که ایران با استقلال بحرین موافقت کرده بود.

پس از پایان جنگ عراق علیه ایران، جمهوری اسلامی در صدد بازسازی نیروهای نظامی خود برآمد. این بار نیز با مخالفت شدید آمریکا و برخی کشورهای منطقه روبه‌رو شد. دو عامل سبب شد که ایران به بازسازی نیروهای نظامی خود بپردازد. نخست آن که جنگ هشت ساله ایران و عراق، توان نظامی آن را به تحلیل برده بود. دیگر این که تحولات منطقه‌یی و بین‌المللی، ایران را با توجه به داشتن مرزهای مشترک با ۱۵ کشور و وجود کانون‌های متعدد بحران در منطقه نسبت به مسایل امنیتی خود نگران کرده بود. اما کشورهای غربی و عربی بدون توجه به این مسایل، بازسازی نیروهای نظامی ایران را هدف حملات تبلیغاتی خود قرار

داده و ایران را متهم کردند که درصدد ایجاد زرادخانه نظامی علیه کشورهای منطقه است. در این تبلیغات، ایران مسبب بروز بحران جزایر در سال ۱۹۹۲ اعلام گردید.

واقعیت این است که برخی کشورها تمایلی ندارند که یک همسایه قوی و بزرگ در مرزهای خود داشته باشند. در میان کشورهای عربی خلیج فارس، عربستان و عراق در این زمره‌اند و بیشترین تبلیغات علیه ایران از سوی این دو کشور به عمل آمده است. در حالی که کشورهای کوچک و ضعیف خلیج فارس مانند قطر، عمان و یمن به علت نگرانی از عربستان سعودی، به ایران به عنوان قدرت متوازن‌کننده از نظر راهبردی می‌نگرند و توانمندی آن را در برابر توسعه‌طلبی عراق و یا عربستان لازم می‌دانند.

### ۳. توسعه‌طلبی اعراب:

از اواسط قرن نوزدهم تاکنون اعراب و متحدان آنها به‌طور دائم تمامیت ارضی ایران را از دوطرف جنوب و غرب تهدید کرده‌اند. از سوی جنوب، با تضعیف ایران به دنبال مرگ نادرشاه افشار، سلاطین عمان و مسقط به نواحی جنوبی ایران مثل بندرعباس و هرمز دست انداختند. با قدرت‌یابی قاسمی‌ها در شارجه و رأس‌الخیمه، دست‌اندازی آنها به سواحل جنوبی ایران آغاز و یک شاخه از آنها موفق شد در لنگه مستقر شود. با تسلط بریتانیا بر خلیج فارس از آغاز قرن نوزدهم، ایران از سوی این قدرت جدید که به نفع اعراب عمل می‌کرد، در معرض تهدید قرار گرفت. بریتانیا بسیاری از بنادر و جزایر ایران را در خلیج فارس اشغال کرد و در این میان جزایر تنب و ابوموسی را به شیوخ تحت‌الحمایه خود واگذار کرد و بحرین را نیز به صورت تحت‌الحمایه خود درآورد و سرانجام آن را در سال ۱۹۷۰ از ایران جدا نمود.

در غرب ایران نیز، عراق خود را میراث‌خوار امپراتوری عثمانی تلقی می‌کند. توسعه‌طلبی عثمانی از قرن هفدهم به بعد به زیان ایران و به نفع عراق کنونی تمام شده است. کشمکش‌های بین ایران و عثمانی موجب بروز ۲۴ جنگ و انعقاد بیش از ۲۰ عهدنامه مرزی شد. با تأسیس کشور عراق بر ویرانه‌های امپراتوری عثمانی در قرن بیستم، این کشمکش‌ها ادامه یافت که سرانجام منجر به جنگ هشت ساله عراق با ایران شد. عراق ادعا می‌کند که در دوره امپراتوری عثمانی، اروند رود، خوزستان، کویت، جزایر وره و بوییان متعلق به عراق بوده است، لذا ادعای حاکمیت بر این مناطق را دارد.

اصولاً اساس سیاست خارجی عراق بر تجزیه خوزستان ایران و الحاق آن به این کشور



بنا شده است. عراق، خوزستان ایران را «عربستان» و خلیج فارس را «خلیج عربی» و یا «فلسطین دوم» می‌نامد که از سوی ایران اشغال شده است. توسعه‌طلبی عراق به همین جا خاتمه نمی‌یابد. الشیبیب نماینده عراق در سازمان ملل در سال ۱۹۷۱ ضمن ادعای این که جزایر سه‌گانه تنب و ابوموسی متعلق به اعراب است، اظهار داشت: «در حقیقت تاریخ به خوبی نشان می‌دهد که نه تنها جزایر مذکور تحت حاکمیت اعراب بوده‌اند، بلکه تسلط اعراب تا جزایر قشم، تنگه هرمز و گاه تا سواحل ایران رسیده است».

در این مورد عراق تنها نبوده است و کشورهای کویت، عربستان، امارات متحده عربی، سوریه، مصر و لیبی از این ادعاها حمایت کرده‌اند.<sup>(۱۱)</sup> از سرگیری ادعای امارات متحده عربی نسبت به جزایر ایرانی تنب و ابوموسی در سال ۱۹۹۲ و حمایت کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس، اعضای پیمان دمشق ۶+۲ و اتحادیه عرب از این کشور، در همین راستا قابل ارزیابی است.

#### ۴. نقش کشورهای ثالث:

در آغاز قرن بیستم بروز رقابت میان بریتانیا، روسیه و آلمان برای نفوذ در خلیج فارس و بروز تنش‌های سیاسی در روابط ایران با بریتانیا سبب اشغال جزایر تنب و ابوموسی از سوی کشور اخیر گردید. بریتانیا پس از اشغال جزایر، آنها را به شیوخ تحت‌الحمایه خود یعنی شارجه و رأس‌الخیمه واگذار کرد. از زمان اشغال جزایر در سال ۱۹۰۴ تا ۱۹۷۱ ایران با دولت بریتانیا در مورد این جزایر درگیر مناقشه بود.

با خروج نیروهای بریتانیا از خلیج فارس در سال ۱۹۷۱ حاکمیت ایران بر این جزایر اعاده گشت، اما از این تاریخ عراق و چند کشور دیگر عربی در این مورد جانسین بریتانیا شدند. از سال ۱۹۷۱ تا ۱۹۷۵ دولت عراق شدیدترین مخالفت‌ها را با اعاده حاکمیت ایران بر این جزایر به عمل آورد. عراق مسأله جزایر را در اتحادیه عرب و شورای امنیت مطرح کرد. علت مخالفت عراق از یک سو اختلاف‌های ارضی و مرزی آن کشور با ایران بود، از سوی دیگر براساس برخی گزارش‌ها، عراق قصد داشت از جزایر تنب به عنوان پایگاه برای نیروی دریایی خود و شوروی سابق استفاده کند. به همین دلیل به رأس‌الخیمه وعده کمک‌های مالی زیادی را داده بود و این امر یکی از علت‌های عمده عدم توافق این شیخ‌نشین با ایران بود.<sup>(۱۲)</sup>

از سال ۱۹۷۵ که ایران و عراق در الجزیره به توافق رسیدند تا سال ۱۹۷۹ دولت عراق

در مورد مسأله جزایر سکوت کرد. اما با آغاز جنگ با ایران دوباره این مسأله را مطرح کرد. اما از سال ۱۹۸۱ هم‌زمان با شکست‌های آن کشور در جبهه، مسأله جزایر را فراموش کرد و این، تا سال ۱۹۹۲ ادامه داشت

از سال ۱۹۹۲ به بعد عربستان سعودی، مصر، انگلیس و آمریکا سبب پیدایش بحران جزیره ابوموسی و گسترش آن شدند. علت تحریک‌های این کشورها، تضمین منافع ملی آنها و وجود تنش‌های سیاسی در روابط با ایران بود. به این ترتیب ملاحظه می‌شود که مسأله جزایر سه‌گانه تنب و ابوموسی، چگونه با مسایل بین‌العربی و بین‌المللی گره خورده‌است.

### فرضیه‌ها

بر مبنای چهار متغیر یاد شده می‌توان ۴ فرضیه در مورد علت‌های پیدایش مناقشه و بحران جزایر تنب و ابوموسی ارائه داد. این فرضیه‌ها عبارتند از:

۱. چشم‌داشت‌های ارضی ایران احتمالاً موجب بروز مناقشه و بحران جزایر تنب و ابوموسی شده‌است.

۲. تقویت توان نظامی ایران احتمالاً سبب بروز مناقشه و بحران جزایر گردیده‌است.

۳. توسعه‌طلبی اعراب احتمالاً موجب پیدایش و گسترش مناقشه و بحران جزایر شده‌است.

۴. دخالت کشورهای ثالث احتمالاً موجب پیدایش و گسترش مناقشه و بحران جزایر گردیده‌است.

در این پژوهش فرضیه‌های اول، دوم و سوم به عنوان فرضیه‌های جانشین رقیب و فرضیه چهارم به عنوان فرضیه اصلی مورد توجه قرار گرفته‌اند.

### روش آزمون فرضیه‌ها:

در این پژوهش برای بررسی و آزمون فرضیه‌ها از دو روش ابطالی و اثباتی استفاده شده‌است. روش ابطالی برای آزمون فرضیه‌های ۱ و ۲ و روش اثباتی برای آزمون فرضیه‌های ۳ و ۴ مورد استفاده قرار گرفته و برای ابطال یا اثبات فرضیه‌ها، هم از موارد گواه یا شاهد و هم از داده‌های گردآمده، استفاده شده‌است. به عنوان مثال در مورد ابطال فرضیه نخست، هم از موارد گواه و هم از داده‌ها استفاده به‌عمل آمده‌است. در مورد فرضیه دوم ابتدا مفاهیم انتزاعی

تبدیل به مفاهیم انضمامی شده و سپس از طریق شاخص‌های آماری بطلان این فرضیه اثبات گردیده‌است. برای اثبات فرضیه سوم هم از داده‌های مختلف و هم از موارد گواه استفاده و در اثبات این فرضیه مفاهیم کیفی، ذهنی و ارزشی تبدیل به مفاهیم کمی، عینی و سنجش‌پذیر شده سپس با بهره‌برداری از جدول‌های آماری، این فرضیه اثبات گردیده‌است. اما فرضیه چهارم که فرضیه اصلی پژوهش می‌باشد با استفاده از داده‌های مختلف نیز اثبات شده‌است. در زیر توضیحات بیشتری در مورد نحوه و چگونگی ابطال یا اثبات فرضیه‌های مذکور آورده شده‌است.

### ابطال فرضیه اول:

ایران از زمان مرگ نادرشاه در ۱۷۴۷ میلادی تاکنون سیاست‌های توسعه ارضی نداشته، بلکه برعکس، در این مدت که حدود ۲ قرن و نیم به طول انجامیده، ایران مثل برف از هر طرف آب شده‌است. نگاهی به نقشه سیاسی ایران در دوره نادرشاه، نشان می‌دهد که وسعت ایران در آن دوران ۲ برابر وسعت فعلی بوده‌است. در این مدت ترکمنستان، ازبکستان، تاجیکستان، آذربایجان، قره‌باغ، ارمنستان، افغانستان، بخشی از سیستان و بلوچستان، بخشی از اراضی غرب کشور (اراضی انتقالی) و بحرین از ایران جدا شدند.

اکنون نیز ایران هیچ‌گونه ادعای ارضی نسبت به هیچ یک از همسایگان خود ندارد و سیاست رسمی آن احترام به وضع موجود مرزها است. ایران از میان ۱۵ کشور همسایه خود، تنها با دو کشور اختلاف‌های مرزی ارضی داشته، که آن دو کشور (عراق و امارات) نیز عرب بوده‌اند. اگر ایران از یک سیاست توسعه‌طلبانه در منطقه پیروی می‌کند، پس چرا این سیاست شامل کشورهای دیگر مثل افغانستان و یا کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز نمی‌شود؟ زیرا که این کشورها نیز در گذشته به طوری که گفته شد، بخشی از ایران بوده‌اند ولی ایران هیچ‌گونه ادعای ارضی نسبت به آنها ندارد. بنابر این می‌توان گفت که این ایران نیست که چشم‌داشت ارضی نسبت به دو کشور عربی یاد شده داشته، بلکه عراق و امارات هستند که از سیاست‌های توسعه‌طلبانه پیروی می‌کنند.

از سوی دیگر سیاست رسمی و اعلام شده جمهوری اسلامی، حفظ وضع موجود مرزها در منطقه است. سیاست توسعه‌طلبانه با تثبیت مرزها مغایرت دارد. پس سیاست ایران نمی‌تواند توسعه‌طلبانه باشد. موارد گواه در مورد این سیاست ایران، زیاد است. به‌عنوان مثال

ایران از تمامیت ارضی کویت در مقابل توسعه‌طلبی عراق، از تمامیت ارضی قطر در مقابل توسعه‌طلبی عربستان، از تمامیت ارضی عراق در مقابل مقاصد ترکیه نسبت به شمال این کشور، از تمامیت ارضی عمان در مقابل جنبش ظفار، از تمامیت ارضی یمن در مقابل توسعه‌طلبی‌های عربستان و از تمامیت ارضی کشورهای عربی در مقابل توسعه‌طلبی اسرائیل، حمایت کرده‌است.

### ابطال فرضیه دوم:

تقویت توان نظامی ایران جنبه دفاعی داشته و دارد. ایران از اواخر قرن نوزدهم تاکنون به هیچ کشوری تجاوز نکرده‌است. در حالی که در این مدت چندین بار مورد تجاوز قرار گرفته و اشغال شده‌است، که نمونه‌های آن تجاوز به ایران در جنگ جهانی اول و دوم و آخرین آن تجاوز عراق می‌باشد.

از سوی دیگر افزایش توان نظامی ایران موجب توسعه‌طلبی ایران نشده، بلکه برعکس در زمان‌هایی که ایران به این امر اقدام ورزیده، بخش‌هایی از سرزمینش از آن جدا شده و یا مورد طمع دیگران قرار گرفته‌است. به عنوان مثال تقویت توان نظامی ایران در قرن نوزدهم سبب اشغال جزایر تنب و ابوموسی و در ۱۹۷۰ موجب جدایی بحرین از ایران و در سال ۱۹۹۲ سبب ادعای امارات متحده عربی گردید. به این ترتیب این سؤال مطرح می‌گردد که چه کشوری از تقویت توان نظامی ایران استفاده کرده‌است، ایران یا اعراب؟ علاوه بر آن، ایران بارها آمادگی خود را برای امضای یک پیمان عدم تجاوز با کشورهای جنوبی خلیج فارس اعلام کرده، اما پاسخ مثبتی دریافت نکرده‌است.

از طرف دیگر در مورد توانایی نظامی ایران چه در دوره رژیم گذشته و چه در دوره جمهوری اسلامی مبالغه شده‌است. ایران طی ۱۰ سال ۷۳-۱۹۶۳ در مجموع حدود ۲ میلیارد دلار اسلحه به شرح جدول صفحه بعد خریداری کرده‌است.

#### واحد: میلیون دلار

نام کشور	کشورهای آمریکای شمالی	اتحاد جماهیر شوروی سابق	انگلستان	آلمان	فرانسه	سایر کشورها	جمع
میزان	۱۳۱۰	۴۳۸	۱۲۹	۹	۱	۱۵۸	۲۰۴۴

مأخذ: فاروقی، لورویه، ایران بر ضد شاه، ص ۱۱۵

از سوی دیگر توانایی نظامی ارتش ایران بسیار ضعیف بود. یکی از نویسندگان غربی، نیروی دریایی ایران در سال‌های دهه ۱۹۷۰ را بسیار ضعیف توصیف کرده و با لحن تمسخرآمیزی گفته است: «در جاتی که بر روی شانه دریا سالار ایرانی وجود دارد، بیش از شماره کشتی‌هایی است که نیروی دریایی شاهنشاهی ایران داراست. نیروی دریایی ایران از ناوهای تشکیل شده بود که آمریکایی‌ها و انگلیسی‌ها به بهای ارزانی فروخته بودند و دلیل ارزانی هم کهنگی و خارج شدن از خدمت بود و در واقع این ناوها را به ایران قالب کرده بودند.»<sup>(۱۳)</sup>

ثودور سورنسن در ۱۹۶۵ نوشته است: «طبق ضرب‌المثل معروف، ارتش شاه به مردی شباهت داشت که آنقدر چاق بود که نمی‌توانست کارهای کوچک بکند و آنقدر لاغر بود که کارهای سنگین از عهده او بر نمی‌آمد.»<sup>(۱۴)</sup>

تا سال ۱۹۷۱ نیروهای نظامی عراق از نیروهای نظامی ایران قوی‌تر بودند. عراق از سال ۱۹۶۳ دارای هواپیماهای میگ ۲۱ بود، در حالی که ایران فقط در اواخر سال ۱۹۷۱ دارای هواپیماهای فانتوم اف ۴ گردید. این هواپیماها به ایران اجازه می‌داد تا با هواپیماهای میگ ۱۵، ۱۷ و ۲۱ عراق مقابله کند.<sup>(۱۵)</sup> در سال‌های ۷۵-۱۹۷۴ که اوج قدرت شاه بود، توان نظامی ایران با عراق تقریباً برابر شده بود. در حالی که وسعت ایران چهار برابر و جمعیت آن سه برابر بود. امیل نخله که ایران را متهم به ایجاد یک ماشین جنگی مهمی نموده، خود ارقام زیر را در مورد توان نظامی ایران و عراق در سال‌های یاد شده (۷۵-۱۹۷۴) ارائه داده است.

کشور	تعداد نیروهای نظامی	تعداد تانک	تعداد هواپیما	تعداد هلی‌کوپتر	تعداد زره‌پوش
ایران	۱۷۵ هزار نفر	۱۱۶۰	۲۱۶	۱۱۲	۲۰۰۰
عراق	۱۰۰ هزار نفر	۱۳۹۰	۲۱۸	۱۰۱	۱۳۰۰

مأخذ: نخله، روابط آمریکا و اعراب در خلیج فارس، صص ۶۴-۶۰

هزینه‌های نظامی ایران بعد از پایان جنگ ایران و عراق، با وجود تضعیف توان نظامی ایران در طول جنگ، از کشورهای جنوبی خلیج فارس بسیار کمتر بوده است. بودجه دفاعی ایران با بیش از ۶۰ میلیون نفر جمعیت، سالانه به طور میانگین ۲/۷ میلیارد دلار و هزینه دفاعی برای هر ایرانی سالانه ۴۵ دلار بوده است.<sup>(۱۶)</sup> حال آن که جدول زیر نشان می‌دهد که

بودجه نظامی هزینه سرانه نظامی چند کشور جنوبی خلیج فارس بسیار بیشتر از ایران است:

۱۹۹۵		۱۹۹۴		۱۹۹۳		۱۹۹۵	سال
سرانه دلار	بودجه نظامی میلیارد دلار	سرانه دلار	بودجه نظامی میلیارد دلار	سرانه دلار	بودجه نظامی میلیارد دلار	جمعیت میلیون نفر	نام کشور
	۷۷۷	۱۳/۲	۱۱۱۲	۱۴/۳	۱۲۲۲	۱۶/۴	عربستان سعودی
	۸۲۳	۱/۹	۱۰۲۵	۱/۹	•	•	امارات متحده عربی
۳۱۴۷	۳/۶۵	•	•	۱۰۸۴	۱/۶	۱/۷	کویت

● آمار در دسترس نیست.

Source: I.F.S, OCT. 1996 and Europa world yearbook 1995

### اثبات فرضیه سوم:

برای اثبات این فرضیه باید نگاهی به اختلاف‌های مرزی و ارضی کشورهای عربی با یکدیگر انداخت تا روشن شود که این کشورها علاوه بر مطامع ارضی نسبت به ایران، به سرزمین‌های یکدیگر نیز چشم‌داشت دارند. حافظ‌اسد رییس جمهوری سوریه در سخنرانی خود در سال ۱۹۸۰ گفت: «اگر ما نظری به میهن عربی خود از منتهی‌الیه شرقی تا منتهی‌الیه غربی بیفکنیم، به سختی می‌توانیم یک دولت عربی پیدا کنیم که اختلاف مرزی نداشته باشد.» تنها کشورهای عربی خلیج فارس حدود ۵۰ مورد با یکدیگر اختلاف‌های ارضی و مرزی دارند. به‌عنوان مثال از هشت مرز دریایی بین هفت کشور عربی خلیج فارس، فقط یک مرز تعیین شده و بقیه تاکنون تعیین نشده‌است. تنها از سال ۱۹۹۲ به بعد ما شاهد موارد زیر بوده‌ایم:

۱. عربستان در سال ۱۹۹۲ خواستار واگذاری دو سوم سرزمین یمن به خاک خود شد.
۲. عربستان با تجاوز به قطر در سال ۱۹۹۲ اراضی جنوب این کشور را اشغال کرد.
۳. قطر در سال ۱۹۹۲ با افزایش عرض آب‌های ساحلی خود به اختلاف‌های ارضی خود با بحرین جانی تازه بخشید.
۴. قطر در نوامبر سال ۱۹۹۴ طی نامه‌یی به سازمان ملل متحد اعلام کرد که

موافقت‌نامه مرزی سال ۱۹۷۴ میان عربستان و امارات متحده عربی را به رسمیت نمی‌شناسد و بر حفاظت از حقوق خویش در مرزهای خاکی و دریایی خود تأکید می‌نماید.

۵. عربستان ادعا کرد که جزایر کویتی قارو وام‌المرادم متعلق به این کشور است.

۶. یمن در سال ۱۹۹۲ خواهان بازگشت ۳ استان عسیر، نجران و جیزان شده که در اشغال عربستان است.

۷. امارات متحده عربی در اوت سال ۱۹۹۲ خواستار بازگشت جزایر ایرانی تنب و ابوموسی به این کشور گردید.

۸. دولت عمان در اوت ۱۹۹۴ با انتشار بیانیه‌یی در محل سازمان ملل متحد، موافقت‌نامه مرزی ۱۹۷۴ امارات متحده عربی و عربستان را به این علت که تمامیت ارضی عمان را نقض کرده، رد نمود و بر حاکمیت خویش بر سرزمین‌های به رسمیت شناخته خود تأکید کرد.

۹. بحرین در سال ۱۹۹۳ پهنای دریای سرزمینی خود را به ۱۲ مایل افزایش داد و اعلام کرد که بر ۱۲ مایل دیگر، «حقوق حاکمیت» خود را اعمال خواهد کرد. این اقدام سبب می‌شود تا بخشی از میدان گاز شمالی قطر، که یکی از بزرگ‌ترین میادین گاز جهان است، در آب‌های سرزمینی بحرین قرار گیرد.<sup>(۱۷)</sup>

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

در جدول شماره ۱ مهم‌ترین اختلاف‌های مرزی و ارضی میان کشورهای عربی خلیج فارس که تاکنون به علت مطامع توسعه‌طلبانه حل نشده، آورده شده است.

جدول ۱: اختلاف‌های مرزی و ارضی حل نشده میان کشورهای عربی خلیج فارس

ردیف	نام کشورهای طرف اختلاف	موضوعات مورد اختلاف
۱	امارات متحده عربی - عمان	مرزهای دریایی در خلیج فارس و دریای عمان
۲	امارات متحده عربی - عمان	ارضی (بخش‌هایی از رأس الخیمه و شارجه)
۳	امارات متحده عربی (ابوظبی) - قطر	ارضی (جزیره حالول و چند جزیره دیگر و خورالعدید)
۴	عراق - کویت	ارضی (کویت و به ویژه جزایر وریه و بویان)
۵	امارات متحده عربی - عربستان	مرزهای دریایی
۶	بحرین - قطر	ارضی (مجمع الجزایر حواری و نوار زیاره)
۷	بحرین - قطر	مرز دریایی
۸	عربستان - قطر	مرز دریایی در خلیج سلوا و خورالعدید
۹	عربستان - کویت	مرز دریایی
۱۰	عربستان - کویت	ارضی (جزایر ام المردام و قارو)
۱۱	عراق - کویت	مرز دریایی
۱۲	عربستان - یمن	ارضی (مناطق و استان‌های مارب، جوف، ربع الخالی، حضرموت، عسیر، نجران و جیزان)
۱۳	میان ۷ عضو امارات عربی متحده	مرزی و ارضی (۱۲ مورد)

مأخذ: دکتر اصغر جعفری ولدانی، تحولات مرزها و نقش ژئوپولیتیک آن در خلیج فارس (تهران، نشر قومس، ۱۳۷۴)، ص ۱۳

در جدول شماره ۲ تعداد قراردادهای مرزی معقد شده بین کشورهای عربی خلیج فارس در سال‌های ۹۵-۱۹۱۳ آورده شده است. تعداد این قراردادها بیانگر تداوم سیاست‌های توسعه‌طلبانه کشورهای عربی خلیج فارس است. در واقع طرفی که قراردادهای مرزی را در جهت اهداف و منافع توسعه‌طلبانه خود نمی‌بیند، در فرصت مناسب آن را لغو می‌کند.



جدول ۲: قراردادهای مرزی مربوط به مرزهای کشورهای عربی خلیج فارس (۱۹۱۳-۱۹۹۵)

ردیف	نام کشور	تعدادقراردادها	تاریخ انعقاد قراردادها
۱	عراق - کویت	۴	ژوئیه ۱۹۱۳، آوریل ۱۹۲۳، مکاتبات ۱۹۳۲، ۱۹۶۳
۲	عربستان - کویت	۴	ژوئیه ۱۹۲۲، ژوئیه ۱۹۶۵، دسامبر ۱۹۶۹، نوامبر ۱۹۸۸
۳	عربستان - عراق	۴	۱۹۲۲، ۱۹۳۸، ۱۹۷۵، ۱۹۸۱
۴	عربستان - قطر	۴	ژوئیه ۱۹۱۳، دسامبر ۱۹۶۵، ژوئیه ۱۹۷۴، دسامبر ۱۹۹۲
۵	عمان - یمن	۳	نوامبر ۱۹۸۲، نوامبر ۱۹۸۹، سپتامبر ۱۹۹۲
۶	عمان - عربستان	۳	۱۹۳۹، ۱۹۸۲، مه ۱۹۹۱
۷	عربستان - امارات	۳	ژوئیه ۱۹۱۳، دسامبر ۱۹۶۵، ژوئیه ۱۹۷۴
۸	عربستان - یمن	۲	معاهده جدّه ۱۹۲۶، معاهده طایف ۱۹۳۴، قرارداد ۱۹۹۵
۹	ابوظبی - دبی	۲	فوریه ۱۹۶۸، ۱۹۷۰
۱۰	ابوظبی - قطر	۱	۱۹۶۹ در مورد مرزهای دریایی
۱۱	امارات عربی متحده	۷	۶۵-۱۹۶۱

مأخذ: همان، ص ۱۵

از سوی دیگر تعداد قراردادهای مذکور، بیانگر این واقعیت است که آن دسته از اختلاف‌های مرزی و ارضی که ظاهراً در گذشته حل شده، دوباره احیا گردیده و نیز حل و فصل آنها موجب انعقاد قرارداد بعدی شده است. به همین دلیل همواره این احتمال وجود دارد که آن دسته از اختلاف‌های مرزی حل شده دوباره احیا شود. لذا این‌گونه اختلاف‌های به ظاهر حل شده را، اختلاف‌های خفته می‌نامند. در جدول شماره ۳ این‌گونه اختلاف‌ها را می‌توان ملاحظه کرد.

جدول ۳: اختلاف‌های مرزی ارضی خفته در خلیج فارس

ردیف	نام کشورهای طرف اختلاف	موضوعات مورد اختلاف
۱	عربستان - عمان	مرزی و ارضی (ظفار - ربع الخالی)
۲	عربستان - امارات متحده عربی	ارضی (ظفره، صبخه متی، خورالعبدید، بوریمی، العین ولیوا)
۳	عربستان - قطر	ارضی و مرزی (بخش‌های جنوبی قطر)
۴	عمان - یمن	ارضی و مرزی (مناطق مرزی و جزایر کوریاموریا)
۵	کویت - عربستان	ارضی (منطقه بی طرف)
۶	عربستان - بحرین	مرز دریایی (حوزه نفتی قشت بوصفه)
۷	عراق - عربستان	ارضی (منطقه بی طرف)
۸	ابوظبی - قطر	ارضی و مرزی (مرز دریایی، بندر نفتی ام‌السعید، حوزه نفتی بوندوق)
۹	ایران - عمان	مرزهای دریایی (دو نقطه از این مرز به علت اختلاف بین عمان و شارجه از یک طرف و عمان و رأس الخیمه از طرف دیگر تحدید نشده است)
۱۰	ابوظبی - دبی	مرزهای دریایی
۱۱	عربستان - عمان - امارات متحده عربی	ارضی (واحه سوریمی)

مأخذ: همان، ص ۱۴

### اثبات فرضیه چهارم

ریشه اصلی مناقشه جزایر را باید در دخالت کشورهای ثالث جست‌وجو کرد. در اواخر قرن نوزدهم و آغاز قرن بیستم روسیه می‌کوشید تا خطوط راه‌آهن خود را به یکی از بنادر ایران در خلیج فارس مرتبط نماید. روسیه هم‌چنین تلاش می‌کرد تا پایگاهی در یکی از جزایر یا بنادر ایران تأسیس کند. آلمان‌ها نیز برای ایجاد جای پای در خلیج فارس می‌کوشیدند، آنها در صدد احداث راه‌آهن برلن - استانبول - بغداد - خلیج فارس بودند. آنها هم‌چنین یک خط کشتیرانی از هامبورگ به خلیج فارس دایر کردند و در اکثر بنادر خلیج فارس نمایندگی ایجاد نمودند. روابط دو کشور یادشده با بریتانیا در این زمان به تیرگی گراییده بود. از سوی دیگر دولت ایران نیز درگیر بازی قدرت‌های بزرگ شده بود. به نحوی که روابط آن با

روسیه و آلمان روبه توسعه و در مقابل با بریتانیا به شدت تیره شده بود. به طوری که نمایندگان سیاسی بریتانیا در تهران دست از متانت برداشته و عبارت زشتی را نسبت به شاه و درباریان به کار می‌بردند.<sup>(۱۸)</sup> این تحولات سرانجام منجر به اشغال جزایر تنب و ابوموسی از سوی بریتانیا گردید.

از سال ۱۹۷۱ به دنبال خروج نیروهای بریتانیا از خلیج فارس، آمریکا و کشورهای اروپایی از پر کردن این خلا خودداری کردند. عدم حضور نیروهای خارجی در منطقه از سال ۱۹۷۱ تا سال ۱۹۹۲ یعنی به مدت ۲۰ سال از عوامل اصلی مسکوت ماندن آ‌های سرزمینی در خلیج فارس بود. از نظر کشورهای غربی، مسأله جزایر تنب و ابوموسی حل شده بود بنابراین این از تحریک امارات و ایجاد تنش در روابط این کشور با ایران در این مدت ۲۰ سال خودداری کردند.

اما از سال ۱۹۷۱ تا ۱۹۷۵ عراق، سوریه، لیبی و یمن جنوبی علیه اعاده حاکمیت ایران بر جزایر تنب و ابوموسی شدیداً موضع‌گیری کردند. در این سال‌ها روابط ایران با کشورهای یادشده تیره بود. اما در همین سال‌ها وجود روابط دوستانه میان ایران و کشورهای مصر، عربستان و آمریکا سبب شد تا این کشورها موضع معتدلی در قبال اعاده حاکمیت ایران بر جزایر در پیش گیرند.

از سوی دیگر با توافق ایران و عراق در سال ۱۹۷۵، روابط دو کشور حسنه شد که تا انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۹۷۹ ادامه داشت. در این مدت دولت عراق و نیز کشورهای یاد شده، در مقابل مسأله جزایر سکوت کردند. اما با آغاز تنش در روابط ایران و عراق و به‌ویژه شروع جنگ هشت ساله، دولت عراق دوباره مسأله جزایر را مطرح کرد.

به دنبال جنگ دوم خلیج فارس در سال ۱۹۹۱ و اعلام نظم نوین جهانی، خلیج فارس دوباره عرصه حضور نیروهای آمریکا، انگلیس و فرانسه شد. حضور قدرت‌های خارجی در خلیج فارس منجر به احیای دوباره اختلاف‌های مرزی و ارضی کهنه و حل شده میان کشورهای این منطقه گردید. در صفحات قبل به برخی از این اختلاف‌های احیا شده از سال ۱۹۹۲ به بعد اشاره شد. یکی از اختلاف‌های حل شده که دوباره احیا شد، جزایر تنب و ابوموسی بود. دخالت کشورهای آمریکا، انگلیس، عربستان و مصر بدون تردید نقش اصلی در ایجاد بحران جزایر در سال ۱۹۹۲ داشت. زیرا کشورهای مذکور با موضع‌گیری‌های شدید علیه ایران و به نفع امارات متحده عربی سبب ایجاد و گسترش بحران بودند. نکته جالب آن که موضع کشورهای یاد شده در سال ۱۹۹۲ با موضع آنها در سال ۱۹۷۱ شدیداً تفاوت داشت.

علت تحریرات آمریکا را باید در راستای استقرار نظم نوین جهانی، سیاست مهار دو جانبه، اهداف و راهبرد آمریکا در خلیج فارس و روابط این کشور با ایران جست‌وجو کرد. علت تحریرات مصر نیز توسعه روابط ایران با سودان، ادعای حمایت ایران از اسلام‌گرایان مصر، تمایل مصر به ایفای نقش در ترتیبات امنیتی منطقه و گسترش همکاری‌های نظامی و اقتصادی با کشورهای خلیج فارس است. علت مخالفت عربستان با ایران نیز انحراف اذهان از مشکلات سیاسی - اقتصادی این کشور، تضمین نقش بدون رقیب خود در شورای همکاری خلیج فارس با منزوی کردن ایران و احیای ملی‌گرایی عربی برای مبارزه با اسلام‌گرایی است.

### پی‌آمدهای اثبات فرضیه اصلی:

اثبات فرضیه اصلی دو پی‌آمد نظری و عملی به دنبال دارد. از جهت نظری پژوهش حاضر کاربرد نظریه توطئه را که در جهان سوم پر روی آن تأکید زیادی می‌شود، تقویت می‌کند. نگارنده قبلاً اعتقادی به این نظریه نداشت، اما این پژوهش بر ارزش علمی این نظریه می‌افزاید.

از نظر عملی نیز نتیجه اثبات این فرضیه این است که برای از بین بردن مشکلات ایجاد شده در مورد جزیره ابوموسی، باید تنش‌های سیاسی میان ایران و برخی کشورها برطرف شود. ممکن است امارات متحده عربی تمایل زیادی به احیای ادعاهای ارضی نداشته باشد و یا مایل به گسترش بحران نباشد، اما کشورهای دیگر آن را تشویق و تحریک می‌کنند. به همین دلیل این کشور قادر به از میان بردن تنش‌های خود با ایران نیست. اثبات این فرضیه هم‌چنین متضمن این پیش‌بینی است که هر زمان میان ایران و کشورهای یاد شده تنش و اختلاف ایجاد شود، مسأله جزایر نیز مطرح خواهد شد.

## یادداشت‌ها

۱. نفاول و دوم مدرس دانشگاه‌امارات متحده عربی ونفرسوم از استادان دانشگاه‌های عربستان سعودی است.
۲. ولید حمدی اعظمی پژوهشگر عراقی است. کتاب وی انگیزه نگارش کتاب محمد علی موحد با عنوان «مبالغه مستعاره» بوده است.
۳. عبدالحسین قطیفی استاد و رییس اسبق دانشکده حقوق و علوم دانشگاه بغداد است.
4. Alen, J. Day, Border and Territorial disputes, (London: Longman Group V.K. Ltd, 1987) p.243
۵. در این مورد می‌توان به عنوان مثال به دو منبع زیر که اولی بیگانه و دومی اسماً ایرانی است، اشاره کرد:  
- Alen, J. Day, Border and Territorial disputes, London: Longman Group V.K. Ltd, 1987.  
- S.H. Amin, International and legal of the [Persian] Gulf, London: Middle East and North African Studies Limited, 1981.
۶. بنگرید به اطلاعات، ۱۳ آذر ۱۳۵۰
۷. بنگرید به:
- اصغر جعفری ولدانی، «نگاهی به یادداشت تفاهم ۱۹۷۱ ابوموسی»، مجله سیاست خارجی، سال پازدهم، شماره ۲ (تابستان ۱۳۷۶).
۸. بنگرید به:
- اصغر جعفری ولدانی، نگاهی تاریخی به جزایر ایرانی تنب و ابوموسی، (تهران: موسسه چاپ و انتشارات وزارت امورخارجه، ۱۳۷۶)
۹. محمد مرا، جمیل محمد، بعد تاریخی و حقوقی اختلافات امارات متحده عربی و ایران بر سر جزایر سه گانه، شورای همکاری خلیج فارس، ۱۹۹۲.
۱۰. اصغر جعفری ولدانی، نگاهی تاریخی به جزایر ایرانی تنب و ابوموسی، پیشین، ص ۱۳-۶۱۲
۱۱. برای اطلاع بیشتر بنگرید به:  
- اصغر جعفری ولدانی، روابط عراق و کویت، (تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۶۹)  
- اصغر جعفری ولدانی، بررسی تاریخی اختلافات مرزی ایران و عراق، (چاپ سوم، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۷۶)  
- اصغر جعفری ولدانی، کانون‌های بحران در خلیج فارس، چاپ دوم، تهران: انتشارات کیهان، ۱۳۷۷.
۱۲. اصغر جعفری ولدانی، نگاهی تاریخی به جزایر ایرانی تنب و ابوموسی، ص ۳۶۰-۳۵۹

- R. Stephen Grummon, The Iran- Iraq war Islam Embattled, (Washington D.C. Preager, 1982) p.22.

۱۳. احمد فاروقی، ژان لوروریه، ایران بر ضد شاه، ترجمه مهدی نراقی (تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات امیرکبیر، ۱۳۵۸) ص ۱۳۱.

14. Theodor Sorenson, Kennedy (New York: Harper and Row, 1965) p. 628.

۱۵. فاروقی - لوروریه، پیشین، ص ۱۲۵

۱۶. از سخنان حسن روحانی نایب رئیس مجلس شورای اسلامی، اطلاعات، ۷ آذر ۱۳۷۵.

۱۷. اطلاعات مذکور از کتاب زیر برگرفته شده است:

- اصغر جعفری ولدانی، تحولات مرزها و نقش ژئوپولیتیک آن در خلیج فارس، (تهران، نشر قومس، ۱۳۷۴)

۱۸. محمود محمود، تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس در قرن ۱۹، (تعداد جلد ۸، تهران: اقبال، ۱۳۶۷) جلد ۸، ص ۱۱۲



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی